



هدایت تحصیلی، ضرورت‌ها و کارکردها

در نگاه مهندس علی زرافشان
معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش

اشاره

در تابستان ۱۳۹۵ و به هنگام ورود اولین گروه از دانش‌آموزان نظام جدید متوسطه به پایه تازه تأسیس دهم، برای نخستین بار «هدایت تحصیلی دانش‌آموزان» با شکل و شرایط جدیدی کلید خورد و ورودی‌های پایه دهم، با دریافت توصیه‌نامه‌ای متفاوت با انواع مشابه سال‌های قبل - که در پایان دوره راهنمایی به دانش‌آموزان داده می‌شد - وارد دوره دوم متوسطه شدند.

طرح جدید هدایت تحصیلی که در تابستان ۹۵ با هدف متوازن ساختن خروجی‌های متوسطه و همگن‌سازی نیازهای جامعه با فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و با صرف ده‌ها ساعت کار کارشناسی و فکری کارشناسان آموزشی و مشاوره وزارت آموزش و پرورش اجرا شد، با چالش‌های جدی و فراوانی به ویژه از سوی اولیا مواجه گردید و باعث شد مسئولان آموزش و پرورش مناطق، شهرستان‌ها و ادارات کل استان‌ها ایام سختی را سپری کنند.

در آستانه دومین سال اجرای طرح جدید هدایت تحصیلی، برای تبیین بیشتر موضوع نشست‌ها را برگزار کردیم و نتایج آن را در این شماره در اختیار شما می‌گذاریم. در این بخش، ابتدا سخنان مهندس علی زرافشان، معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش که در این نشست ایراد شده است، به‌طور مجزا تقدیم می‌شود. سپس، گزارش میزگردی را که با حضور صاحب‌نظران و متخصصانی از حوزه‌های گوناگون برگزار شده است، می‌خوانید. امیدواریم این گزارش در تبیین و بازنمایی ابعاد گوناگون فرایند هدایت تحصیلی برای دوره دوم متوسطه مؤثر باشد.

تنظیم سخنان مهندس زرافشان و گزارش میزگرد توسط همکار مجله «نصرالله دادار» در پاییز امسال صورت پذیرفته است.

پاسخ داده می‌شوند. در واقع، همه بچه‌ها حدی از ریاضی، فیزیک و شیمی را که در دوره قبل به شکل علوم تجربی بوده است، در این دوره متوسطه دوم هم می‌خوانند اما اگر دانش‌آموزی علاقه‌مند باشد که مثلاً ریاضیات را کمی بیشتر بخواند، یک واحد تکمیلی یا یک واحد پیشرفته ریاضی را می‌گیرد یا اگر کسی علاقه‌مند به فیزیک باشد، یک واحد تکمیلی از فیزیک می‌گیرد و همچنین برای دروس دیگر. یعنی علائق و تمایلات دانش‌آموزان بیشتر در قالب گرایش مطرح می‌شود با ارائه دروس انتخابی. البته اجرای این نوع متوسطه الزاماتی دارد که معمولاً در طراحی و ارائه این طرح کمتر به آن توجه می‌شود. این الزامات، بزرگ بودن مدرسه و امکان ارائه دروس انتخابی است.

اگر در خاطر عزیزان باشد، علت اینکه نظام نیمسال و احدی در ایران دچار آسیب شد، ناسازگاری آن مدل آموزش با ساخت

در دنیا برای دوره دوم متوسطه دو ساختار وجود دارد؛ یک ساختار آموزش متوسطه عمومی است که از آن به متوسطه جامع تعبیر می‌شود، و یک ساختار آموزش متوسطه نیمه تخصصی است. تقریباً پنجاه درصد کشورهای دنیا از آموزش متوسطه عمومی استفاده می‌کنند. این سبک از آموزش متوسطه در دنیا به سبک متوسطه برگرفته از نظام تعلیم و تربیت آمریکا معروف است.

در متوسطه عمومی، متوسطه دوم هم در ادامه دوره ابتدایی و متوسطه اول قرار می‌گیرد؛ یعنی از جهت اهداف، محتوا و روش‌ها تقریباً همان جهت‌گیری‌هایی را که در دوره ابتدایی و دوره اول متوسطه است، در متوسطه دوم ادامه پیدا می‌کند. یعنی غلبه بر دروس عمومی است که نوعاً به تربیت شهروندی منجر می‌شود. علائق و تمایلات بچه‌ها در این دوره متوسطه معمولاً با گرایش‌هایی که در دروس وجود دارد و دروس انتخابی‌ای که ارائه می‌گردد،

مدارس و ترکیب مدارس ما بود. یعنی مدارس ما، هم از نظر تعداد دانش‌آموزان کوچک بودند و هم از نظر فضای آموزشی.

بر اساس آماري که داریم، ۹۰ درصد مدارس ما کمتر از ۳۰۰ نفر و ۴۳ هزار از مدارس ما کمتر از ۵۰ نفر دانش‌آموز دارند. بنابراین، وقتی یک شیوه در دنیا مطرح می‌شود، نمی‌تواند دلیل خوبی باشد که برای همه جا مناسب است. به همین جهت، در حوزه ادبیات پژوهش‌های تطبیقی یا مقایسه‌ای، می‌بایست وجوه افتراق و اشتراک در مطالعه مشخص شود تا یک وقت ما را به خطا نکشاند و نگوییم چون در ۶۰ درصد کشورهای دنیا ساختار ۳-۲-۱ وجود دارد، پس این ساختار داروی نجات‌بخشی است و ما باید به دنبالش برویم و دچار آسیب‌هایی شویم که امروزه با آن مواجه هستیم و خسارت‌های جبران‌ناپذیری به آموزش و پرورش کشور به دلیل عدم دقت به وجوه افتراق و اشتراک کار وارد شود.

آموزش متوسطه نیمه خصوصی

گرایش دومی هم در دنیا وجود دارد و آن آموزش متوسطه نیمه تخصصی است. آموزش متوسطه نیمه تخصصی به جای اینکه به علائق دانش‌آموزان با گرایش‌ها پاسخ دهد، با رشته و شاخه پاسخ می‌دهد.

عمدتاً کشورهای حوزه‌ما از نوع آموزش متوسطه نیمه تخصصی

هدایت تحصیلی می‌گوید پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه متناسب با استعداد و علاقه فرد مدنظر است؛ یعنی استعداد و علاقه فرد باید در کنار نیازهای جامعه قرار بگیرد

لذا در این شکل متوسطه که کشور ما هم از آن تبعیت می‌کند، دوره متوسطه بچه‌ها را برای پاسخ‌گویی به شماری از نیازهای جامعه آماده می‌کند. آن نیازها به دو بخش اساسی تقسیم می‌شود: نیازهای اقتصاد و اشتغال و نیازهای علمی. بچه‌ها در دوره دوم متوسطه به این دو گروه بزرگ تقسیم می‌شوند؛ برای اینکه بتوانند به نیازها پاسخ بدهند.

تقریباً زمانی که آموزش متوسطه در ایران شکل گرفته، وضع به همین ترتیب بوده است؛ در یک دوره بحث مدارس جامع در ایران مطرح شد و عمر خیلی کوتاهی داشت. این بحث در یک دوره دیگر هم مطرح شد که ما مثل برخی از کشورها مثلاً انگلیس که تا پایه دهم برای همه عمومی و اجباری است، تا پایان پایه یازدهم متوسطه عمومی داشته باشیم. این تجربه مربوط به قبل از انقلاب است. دوره پیش‌دانشگاهی هم طرح قبل از انقلاب است. بعد هم پیش‌دانشگاهی برچیده می‌شود تا دوباره بعد از انقلاب مطرح می‌شود.

لذا ما با همه این تغییرات که طی سال‌ها در ساختار انجام شده است، یک ساختار رشته‌ای را در دوره متوسطه داشتیم و این ساختار رشته‌ای برای پاسخ‌گویی به آن دو نیازی بود که عرض کردم. به همین جهت، وقتی از آموزش متوسطه ایران به عنوان یک آموزش متوسطه نیمه تخصصی صحبت می‌کنیم، به معنای آن است که دولت و نهادهای حاکمیتی به ازای سرمایه‌گذاری که در دوره متوسطه انجام می‌دهند، از دانش‌آموزان انتظار دارند که وارد عرصه‌هایی بشوند که به نیاز جامعه پاسخ دهند؛ علاوه بر این آموزش‌های شهروندی هم به آن‌ها داده می‌شود. معمولاً دروس عمومی برای ادامه آموزش‌های شهروندی است و دروس اختصاصی و تخصصی برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه.

هدف هدایت تحصیلی

در اسناد موجود هم که به تازگی تولید شده‌اند، به این موضوع توجه شده است؛ از جمله در راهکار ۳-۲۱ سند تحول. هدف از هدایت تحصیلی در این راهکار این‌گونه بیان شده است: طراحی و استقرار نظام جامع هدایت تحصیلی و استعدادیابی به منظور هدایت دانش‌آموزان به سوی رشته‌ها و حرف و مهارت‌های مورد نیاز حال و آینده کشور یعنی بنا و اصل هدایت تحصیلی و متوسطه نیمه تخصصی به این است که بچه‌ها را به سوی رشته‌ها، حرف و مهارت‌های مورد نیاز حال و آینده کشور هدایت کنیم؛ البته متناسب با استعدادها، علاقه‌مندی‌ها و توانایی‌های آن‌ها.

بر همین اساس، در برنامه درسی ملی که جزء مصوبات سال‌های اخیر است، ۱۱ حوزه یادگیری در برنامه درسی ملی تعریف شده است. یکی از حوزه‌های یادگیری، حوزه کار و فن‌آوری است. الان هم درسی با همین عنوان از پایه ششم تا پایه نهم تدریس می‌شود.

دانش‌آموزان در دوره متوسطه دوم به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول دانش‌آموزانی هستند که با کسب مهارت بعد از گرفتن دیپلم، مستقیماً وارد بازار کار می‌شوند؛ هدف‌گذاری برای این دانش‌آموزان در دوره دوم متوسطه، کسب مهارت‌های شغلی

استفاده می‌کنند. بچه‌ها در دوره دوم متوسطه در آموزش متوسطه نیمه تخصصی در رشته‌هایی توزیع می‌شوند. در ایران ما سه شاخه عمده داریم که شامل شاخه نظری، فنی و حرفه‌ای و کارودانش است. ولی در کشورهای دیگر ممکن است بچه‌ها فقط وارد رشته‌هایی شوند. به هر حال، تفکیک و جداسازی بر مبنای رشته اتفاق می‌افتد.

چرا متوسطه نیمه تخصصی می‌شود؟ به پشتوانه یک نگاه به آموزش متوسطه و آن نگاه این است که از آموزش و پرورش انتظار دارد دانش‌آموزان را در طول دوره دوم متوسطه، برای پاسخ‌گویی به مجموعه‌ای از نیازهای جامعه آماده کند. آن هم نیازهای شغلی و هم نیازهای علمی است که می‌بایست دانش‌آموزان برای پاسخ‌گویی به آن‌ها آماده شوند. بیشتر کشورهایی که این نوع متوسطه را دارند و حتی کشورهایی که مدارس جامع دارند، حداقل در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نوعی تفکیک قائل‌اند. مثلاً در انگلیس تا پایه دهم آموزش کاملاً عمومی است و در پایه یازدهم و دوازدهم وارد دوره متوسطه غیراجباری می‌شوند. در آنجا آموزش فنی و حرفه‌ای مسیر خاص خودش را دارد و بچه‌هایی که وارد فنی و حرفه‌ای می‌شوند، آموزش‌های مورد نیاز را دریافت می‌کنند.

برای ورود به بازار اشتغال و پذیرش مسئولیت‌های شغلی است. گروه دوم دانش‌آموزانی هستند که بعد از گرفتن مدرک کاردانی به‌عنوان تکنسین وارد بازار کار می‌شوند.

گروه سوم، گروهی هستند که آموزش می‌بینند تا بتوانند با ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها وارد بازار اشتغال کارشناسی، علمی و اداری کشور شوند و پاسخ‌گوی نیازهای علمی و کارشناسی جامعه باشند.

هدایت تحصیلی به چهار عامل بستگی دارد:
۱. استعداد؛ ۲. علاقه؛ ۳. امکانات؛ و ۴. نیاز.

چالشی که در جامعه وجود دارد، چالش بین انتخاب رشته و هدایت تحصیلی است.

مطرح می‌شود که انتخاب حق فرد است. فرد حق دارد که انتخاب کند و برای ادامه تحصیل به هر رشته‌ای که دوست دارد برود اما هدایت تحصیلی این موضوع را نمی‌پذیرد. هدایت تحصیلی می‌گوید پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه متناسب با استعداد و علاقه فرد مدنظر است؛ یعنی استعداد و علاقه فرد باید در کنار نیازهای جامعه قرار بگیرد. هدایت تحصیلی چیزی است، بین انتخاب فرد و نیاز جامعه؛ نه صرفاً انتخاب است و نه صرفاً پاسخ‌گویی به نیاز جامعه. در سال‌های اخیر بحثی مطرح می‌شود با عنوان «توسعه متوازن»، که البته قبلاً هم مطرح بوده است.

از زمانی که شورای عالی آموزش و پرورش «توسعه متوازن» را مطرح کرد و در مجلس به تصویب رساند، در وظایف شورای عالی آمده است که سهم دانش‌آموزان در شاخه‌ها و رشته‌ها می‌بایست، مدیریت شود. وقتی می‌گویند مدیریت شود، معنایش آن است که صرفاً بر مبنای انتخاب نیست. لذا شورای عالی موظف است کار توسعه را انجام بدهد.

یکی قلمداد کردن تمایل با استعداد و علاقه

آنچه امروز به دغدغه و چالش ما تبدیل شده، این است که بر اثر جو حاکم بر جامعه تمایل بسیار شدیدی برای ورود دانش‌آموزان به رشته تجربی شده و خطایی که اتفاق افتاده است، یکی قلمداد کردن تمایل با استعداد و علاقه می‌باشد. یعنی وقتی سخن از استعداد و علاقه به میان می‌آید، می‌گویند ایشان استعداد و علاقه رفتن به تجربی را دارند؛ در حالی که این تمایل آن فرد است و نه استعداد و علاقه‌اش. اغلب خود دانش‌آموزان مایل به انتخاب رشته تجربی نیستند بلکه این خواست و میل اولیای آنان است. این میل و خواست اولیاء هم منطبق با نیاز جامعه نیست بلکه آرزوهای سرکوب شده آنان است. حتی بنابر باورهایی است که در جامعه وجود دارد: مثلاً یک صنفی در جامعه به این باور رسیده که چون من و مادرش شغل من این است فرزندانم هم باید همین شغل را داشته باشند.

چالش دیگری که با آن مواجه هستیم از یک طرف بحث بیکاری و اشتغال دانش‌آموزان است و از طرف دیگر، بحث اقتصاد مقاومتی و توسعه اقتصادی. توسعه اقتصادی بدون منابع انسانی و سرمایه انسانی امکان‌پذیر نیست و نمی‌تواند اتفاق بیفتد. از طرف دیگر، بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه است. براساس آمارهای رسمی که وزارت کار اعلام کرده است، ۵۰ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها

بیکارند.

ما در واقع، نیاز داریم بخشی از دانش‌آموزان به سمت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پیش بروند.

ما نیاز داریم بخشی از دانش‌آموزان به جای اینکه به دنبال مدرک باشند، به دنبال مهارت بروند تا بتوانند وارد بازار کار شوند.

بنابراین، هدایت تحصیلی فقط، یک موضوع مربوط به آموزش و پرورش نیست، بلکه موضوعی ملی است و ملی بودنش از آن جهت است که تصمیمات اتخاذ شده و اتفاقاتی که در این حوزه می‌افتد، بر آینده کشور تأثیر گذار است.

حتماً در اخبار امسال ملاحظه کرده‌اید که از کل داوطلبان کنکور که حدود ۸۶۰ هزار نفر بودند، ۵۲۰ هزار نفر داوطلب رشته تجربی و ۳۰۰ هزار نفر داوطلب رشته ریاضی و انسانی بودند. در حالی که ظرفیت رشته تجربی حدود دویست هزار نفر است؛ یعنی امسال ۳۲۰ هزار پشت‌کنکوری داشتیم و این ۳۲۰ هزار نفر پشت‌کنکوری در رشته تجربی به‌علاوه تعدادی از دویست هزار نفر که قبول می‌شوند و به دانشگاه نمی‌روند و می‌گویند آن رشته مورد علاقه‌شان نیست، به جمع پشت‌کنکوری‌های تجربی اضافه می‌شوند.

این در حالی است که وقتی ما در رشته تجربی با این ازدحام و فشار مواجه هستیم، در رشته ریاضی و انسانی هر کسی که در کنکور ثبت‌نام کرده باشد، چه سر جلسه کنکور حاضر شده باشد

ما نیاز داریم بخشی از دانش‌آموزان به جای اینکه به دنبال مدرک باشند، به دنبال مهارت بروند تا بتوانند وارد بازار کار شوند

چه نشده نباشد و یا حتی در کنکور ثبت‌نام نکرده باشد، می‌تواند رشته انتخاب کند و سر کلاس درس در دانشگاه حاضر شود.

موارد مذکور تأثیر کمی از دحام و تراکم در یک رشته است، اما تأثیر کیفی آن چیست؟ در حال حاضر بچه‌های مستعد متوسطه به رشته تجربی می‌روند. بنابراین، ورودی‌های رشته ریاضی و انسانی از نظر کیفی هم ضعیف خواهند شد و در آینده، توسعه علوم پایه و علوم انسانی در کشور دچار خطر جدی خواهد شد. لذا ما از منظر ملی به بحث هدایت تحصیلی نگاه می‌کنیم. جمع‌بندی جلساتی که ما با اعضای محترم کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس داشتیم، این بود که بحث هدایت تحصیلی یک بحث ملی است و موضوع بحث آموزش و پرورش به تنهایی نیست و همه دستگاه‌ها باید کمک کنند تا کار هدایت تحصیلی به درستی انجام بگیرد. اگر از این منظر به بحث هدایت تحصیلی نگاه شود، یعنی هم از منظر ساختار دوره متوسطه، هم از جهت تنوع رشته‌ها و مدیریت کردن جمعیت دانش‌آموزی و هم از نظر سند تحول، بحث اشتغال و توسعه علمی کشور، هدایت تحصیلی امری ملی و ضروری است و باید همه، در جهت تحقق آن همکاری کنند.